ادامه از صفحه اول

سهراب

در مرز ایران و توران دژی به نام سپید بود که با وجود آن دژ، ایرانیان از مرز توران آسوده‌خاطر بودند. کوتوال و بزرگ آن دژ، هژیر نام داشت که پهلوانی دلاور بود و خواهری داشت به نام گردآفرید که مردان را تاب نبرد با او نبود. چون سهراب به نزدیک دژ سپید بیامد و هژیر، سپاه توران را بدید، بر اسب تیزتک خویش بنشست و به نبرد به استقبال سپاه توران شتافت. سهراب از پیشاپیش سپاه توران شمشیر برکشیده، خود را به هژیر رساند و گفت: «چرا با خیره‌سری به‌تنهایی به مقابله با سپاه توران آمده‌ای و نامت را بگو که زین پس، مادرت در سوک تو خون خواهد گریست». هژیر در پاسخ گفت: «من هژیر هستم، سپهبد این دژ که با حضور من در این دژ کسی را جسارت و یارای آن نیست که به خاک ایران گام بگذارد». سهراب بخندید و دو پهلوان به نبرد پرداختند و هژیر نیزه‌ای بر سینه سهراب بزد اما سهراب نیزه را پس زده، هژیر را از زین برگرفت و بر زمینش افکند و خود از اسب فرود آمده، خواست سر از تن او دور گرداند و هژیر از او زنهار خواست و سهراب که اندیشه‌هایی جدا از پلشتی‌های بارمان و هومان در سر می‌پروراند، هژیر را امان داد و از کشتن او درگذشت و او را به بند کشیده، به نزد هومان فرستاد. دژنشینان آگاهی یافتند که هژیر به بند کشیده شده است و خروش و ناله زن و مرد از دژ برخاست و چون گردآفرید، دخت گژدهم آگاهی یافت که هژیر به دست یک نوجوان تورانی به بند کشیده شده، در دل هژیر را سرزنش کرد و از خشم، چهره لاله‌گونش به کردار قیر شد، شتابان زره پوشیده، گیسو در زیر کلاهخود پنهان کرد و چون شیر از دژ بتاخت و فریاد برآورد: «در میان شما کدام پهلوان یارای آن دارد که با من به ستیز بپردازد؟».

زنی بود برسان گردی سوار/ همیشه به جنگ اندرون نامدار / کجا نام او بود گردآفرید/ زمانه ز مادر چنین ناورید / بپوشید درع سواران جنگ/ نبود اندر آن کار جای درنگ / نهان کرد گیسو به زیر زره/ بزد بر سر ترگ رومی گره

سهراب چون پهلوان دیگری را برون‌آمده از دژ بدید، بخندید و با خود گفت، گوری دیگر به نبرد با شیر آمده، شتابان خفتان به تن کرد و کلاهخود چینی بر سر نهاده، به پیشواز گردآفرید آمد و گردآفرید چون او را بدید، کمان را به زه کرد و سهراب را آماج تیرهای خود گرداند. سهراب خشمگین سپر بر سر کشید و به استقبال گردآفرید رفت، بی‌آنکه بداند، نه با پهلوانی درشت‌خوی که با زنی لطیف‌تن مواجه است و چون به گردآفرید نزدیک‌تر شد و مشاهده کرد که رزمنده‌ای تیزچنگ است، به کردار تندری بر او بتاخت و بر کمربندش، نیزه‌ای بزد که از زخم آن نیزه، زره او دریده شد و گردآفرید، شمشیر از نیام برکشید و با ضربتی نیزه او را دو نیمه کرد؛ سهراب گردآفرید را از اسب فروکشیده، بر زمین زد، گردآفرید شمشیر را بر سهرابِ بر اسب نشسته فرود آورد و سپر، ران سهراب را از گزند در امان داشت و چون گردآفرید دانست که توان مقابله با سهراب را ندارد، با جهشی بر پشت اسب خویش، عنان بگرداند تا به‌سوی دژ بگریزد. سهراب در پی گردآفرید خروشان شتاب گرفت و دست پیش برده، کلاهخود از سر او برگرفت و از بند زره موهای زیبایش، پریشان شد و آن‌گاه بود که سهراب دانست آن پهلوانی که این‌چنین دلیرانه می‌جنگد، یک دختر ایرانی است، شگفت‌زده به خود گفت از سپاه ایران چنین دختری به آوردگاه آمده است، سپس از فتراک زین کمند برگرفت و در کمرگاه او بیفکند و به او گفت: «از من رهایی نخواهی یافت. چگونه است که ایرانیان ماهرویانشان را به میدان نبرد روانه می‌کنند؟». و آن‌گاه بود که گردآفرید دانست چاره رهایی زور نیست که نیرنگ است.

بررسی کارنامه دولت دوازدهم

سرنوشت نافرجام وزرای اقتصادی دولت روحانی

علی ایوبی: وزرای اقتصادی کابینه حسن روحانی در دولت دوم او، پایداری دولت اول را نداشتند و بارها عوض شده‌اند؛ چه آنها که استعفا دادند و چه آنها که با استیضاح مجلس از ادامه راه ماندند. در میان اقتصادی‌های کابینه، بیژن زنگنه وزیر نفت، رضا اردکانیان وزارت نیرو و محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هستند که از ابتدای شروع به کار دولت دوم حسن روحانی در سال ۹۶ همچنان مشغول به کار مانده‌اند؛ هرچند پای هر سه آنها به مجلس و کمیسیون‌های آن باز شده و وزیر ارتباطات در صحن مجلس نیز مورد بازخواست نمایندگان قرار گرفته است. در اینجا به دلایل رفتن وزرای اقتصادی کابینه دوم روحانی اشاره می‌کنیم.

وزیر امور اقتصاد و دارایی

حسن روحانی مهم‌ترین وزارتخانه اقتصادی را در دولت اول خود به علی طیب‌نیا سپرده بود. او در حالی بر صندلی این وزارتخانه نشست که شرایط اقتصادی کشور به دلیل شرایط تحریم نامناسب بود و شاید به همین دلیل نمایندگان مجلس نهم با ۲۷۴ رأی از مجموع ۲۸۴ رأی بالاترین میزان رأی اعتماد در تاریخ جمهوری اسلامی ایران را به طیب‌نیا دادند. طیب‌نیا که در روزگار سخت اقتصاد کشور را اداره کرده بود، در حالی با پایان دولت اول از کابینه خداحافظی کرد که برجام گره تحریم‌ها را باز کرده و چرخ اقتصاد به گردش درآمده بود. زور حسن روحانی به بازگرداندن علی طیب‌نیا نرسید و مسعود کرباسیان که معاون وزیر و رئیس گمرک کشور بود، برای این وزارتخانه به مجلس دهم معرفی شد. کرباسیان با مدرک دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی با ۲۳۶ رأی سکان اقتصادی کشور را بر عهده گرفت اما فقط یک سال وزیر ماند. طرح استیضاح کرباسیان شامل ۱۷ بند در مجلس مطرح شد که درباره ناتوانی او در اداره اقتصاد کشور و تقلیل مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی به هماهنگ‌کننده چند اداره بود. در نهایت استیضاح کرباسیان با ۱۳۷ رأی موافق و ۱۲۱ مخالف و دو ممتنع، رأی آورد و او برکنار شد. کرباسیان هم‌اکنون مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران است. بعد از رفتن او، فرهاد دژپسند به وزارت رسید.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

وزیر این وزاتخانه در چهار سال دولت یازدهم علی ربیعی بود و در آخرین سال پایش برای استیضاح به مجلس باز ش، اما ابقا شد. او که استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی است از مؤسسان و عضو شورای مرکزی خانه کارگر بوده و در سال ۹۶ نیز دوباره توسط حسن روحانی به‌عنوان وزیر همین وزاتخانه به مجلس دهم معرفی شد و رأی لازم را به دست آورد. در اسفند همان سال جلسه استیضاح او در بهارستان برگزار شد اما استیضاح رأی نیاورد. شش ماه بعد، یعنی در ۱۷ مرداد ۹۷، نمایندگان مجلس برای بار سوم در دوران پنج‌ساله وزارت ربیعی اقدام به استیضاح او کردند که این‌بار ۱۲۹ نماینده به رفتن او رأی مثبت دادند و ربیعی برکنار شد. او در جلسه استیضاح گفته بود: «اگر بنده از دولت بروم، آیا نابسامانی‌های اخیر در حوزه دلار و مشکلات اقتصادی حل خواهد شد؟ ما بحث ترامپ ناجوانمردانه را در کشور داریم اما نباید حیثیت مجلس را به استیضاح بنده گره زد و گفت اگر این استیضاح صورت نگیرد، حیثیت مجلس از بین می‌رود». علی ربیعی از خرداد سال ۹۸ به‌عنوان سخنگوی دولت مشغول به کار است. بعد از ربیعی، رئیس‌جمهوری، محمد شریعتمداری را که خود در آستانه استیضاح به دلیل عملکردش در وزارت وزیر صنعت، معدن و تجارت بود، به مجلس معرفی کرد و همان نمایندگانی که می‌خواستند او را برکنار کنند، به شریعتمداری برای حضور در وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی رأی مثبت دادند.

وزارت صنعت، معدن و تجارت

در دولت اول حسن روحانی، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صمت بود که دادگاه دخترش و فرار داماد او، از اخبار داغ این روزهای محافل سیاسی و اقتصادی است. رئیس‌جمهوری برای دولت دوم خود محمد شریعتمداری را برای این وزارتخانه درنظر گرفت. او که در دو دولت سیدمحمد خاتمی، وزیر بازرگانی بود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ ریاست ستاد انتخاباتی حسن روحانی را برعهده داشت. اما او نیز در مهر سال ۹۷ به تیغ استیضاح نمایندگان مجلس گرفتار شد. در طرح استیضاح او، به این موارد اشاره شده بود: «عدم کنترل و مدیریت بازار و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و احتکار کالا»، «عدم انجام کامل وظایف قانونی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز» و «وجود فساد و رانت در واردات خودرو و ثبت سفارش برای دریافت ارز » و... اما شریعتمداری پیش از برگزاری جلسه استیضاح استعفا داد و حسن روحانی او را به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس معرفی کرد که رأی آورد. رئیس‌جمهوری به‌جای شریعتمداری رضا رحمانی را به‌عنوان وزیر جدید صمت معرفی کرد که او نیز سرنوشت جالبی داشت. اردیبهشت امسال بود که بازار خودرو به هم ریخت و قیمت‌ها بالا رفت، روحانی رضا رحمانی را برکنار کرد و همگان این اتفاق را با بازار خودرو مرتبط می‌دانستند، اما نامه رحمانی خطاب به رئیس‌جمهوری چیز دیگر را نشان می‌داد. رحمانی نوشته بود که محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در ۱۷ اردیبهشت از او خواسته تا تلاش کند با لابی با نمایندگان، مخصوصا نمایندگان آذری‌زبان، از آنها برای تشکیل بازرگانی، رأی مثبت بگیرد اما چون او این کار را نکرده بود، واعظی از او خواست تا استعفا دهد. رضا رحمانی نوشته بود که چون «حجت شرعی برای استعفا» ندیده این کار را نکرده و برای همین برکنار شده است. واعظی اما در جواب گفت اصلا چنین خواسته‌ای از رحمانی نداشته و اتفاقا رحمانی تلاش داشته است تا وزارتخانه جدید شکل نگیرد. درهرصورت رضا رحمانی ازسوی رئیس‌جمهوری برکنار شد و در این هفته حسین مدرس‌خیابانی به‌جای او به مجلس معرفی شد.

جهاد کشاورزی

تا کمتر از یک سال پیش، محمود حجتی به‌عنوان وزیر جهاد کشاورزی در دو دولت حسن روحانی فعال بود. او که از معدود اصلاح‌طلبان دولت محسوب می‌شد، در دولت‌های هفتم و هشتم نیز وزیر جهاد کشاورزی بود. حجتی یک بار نیز در اسفند ۱۳۹۶ مورد استیضاح نمایندگان مجلس قرار گرفت اما با ۱۰۵ رأی موافق و ۱۱۷ رأی مخالف، استیضاح او رأی نیاورد. حجتی در آذرماه سال پیش استعفا داد و گفته شد که دلیل آن بازداشت برخی منصوبان و مدیران او بوده است. حجتی هم‌اکنون به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهور در امور کشاورزی و امنیت غذایی مشغول به کار است. اکنون کاظم خاوازی، وزیر جهاد کشاورزی دولت حسن روحانی است.

راه‌وشهرسازی

عباس آخوندی از وزرای اصلاح‌طلب دولت محسوب می‌شد که تا مهر سال ۹۷، به مدت پنج سال وزیر دولت حسن روحانی بود، اما ناگهان استعفا داد و رفت. او در کابینه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی نیز به‌عنوان وزیر مشغول به کار بود. آخوندی متن استعفای خود را در کانال شخصی خود منتشر کرد. او در سه سال آخر وزارت خود سه بار استیضاح شد و هیچ‌کدام رأی نیاورد. آخوندی در متن استعفای خود نوشته که به نظرش از سوی رئیس‌جمهور سه اصل نقض شده است: «پایبندی به قانون»، «احترام به حقوق مالکیت» و «اقتصاد بازار رقابتی». هم‌اکنون محمد اسلامی به‌عنوان جانشین عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی است.

خبر

موافقت مقام معظم رهبری با تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

● پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دوهزاروصدوسی‌وپنج نفر (۲۱۳۵) از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضائی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی رئیس قوه قضائیه به مناسبت فرارسیدن اعیاد سعید قربان و غدیر خم در نامه‌ای به مقام معظم رهبری پیشنهاد عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات این محکومان را که پرونده‌های عفو آنان در کمیسیون عفو و بخشودگی بررسی شده و واجد شرایط لازم تشخیص داده شده‌اند، ارائه کرد که این پیشنهاد در اجرای بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد قبول حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت.

حسن روحانی:

قوا در تلاش برای کمک به دولت هستند

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت با اشاره به بیانات رهبری درباره جریان تحریف، عنوان کرد: تحریم بسیار رنج‌آور است، ولی تحریف بسیار دردآور است؛ تحریم را دشمن انجام می‌دهد، اما تحریف را گاهی دشمن انجام داده و گاهی در داخل انجام می‌شود. ما در میدان جنگ هستیم اما کسی در بیرون ایستاده و طعنه می‌زند که زخمی بر بدن ما نشسته است، او درک نمی‌کند که سرباز ما در حال جنگ با دشمن است و در جنگ، زخم و رنج وجود دارد. حسن روحانی با انتقاد از اینکه گفته می‌شود چرا دولت مشکلات را برطرف نمی‌کند، گفت: باید میدان تشخیص داده شود. آیا دولت در بیابان سبز مشغول استراحت است یا در میدان جنگ است؟ دولت در یک شرایط سخت تحریم، کار خود را آغاز کرد و توانست در صد روز اول تحریم را به طور موقت بشکند و به توافق کوتاه‌مدت رسیدیم. در زمستان ۹۴ از تحریم خارج شدیم و آن سال زمان تنفس ما بود. او با بیان اینکه مجلس و قوه قضائیه در کنار دولت هستند و شرایط کشور را لمس می‌کنند، تصریح کرد: برخی می‌گویند مجلس دنبال زمین‌زدن دولت است اما من در جلسات سران قوا چنین رویکردی را نمی‌بینم. سایر قوا در تلاش برای کمک به دولت هستند.

خوانشی بر حیات سیاسی جمشید آموزگار

از نخست‌وزیری در میان اعتراضات تا انحلال حزب رستاخیز

در ۱۶ مردادماه ۱۳۵۶ محمدرضاشاه که با نارضایتی روزافزون عمومی و مشکلات فراوان اقتصادی مواجه بود، هویدا را از سمت نخست‌وزیری برکنار کرد و پست وزارت دربار را به او داد و آموزگار را به‌جای او نشاند. درواقع شاه بر آن بود که با طرح وعده «گسترش فضای باز سیاسی از طریق واردکردن اعضای جدید و جوان کابینه» درصدد جلب نظر مخالفان برآید و در همین خصوص دولت آموزگار را سکوی پرش به دوره «آزادی، پیشرفت و دموکراسی» اعلام کرد.

در عرصه بین‌المللی با پیروزی کارتر در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ۱۲ آبان ۱۳۵۵، حمایت نامحدود خارجی از بعضی سیاست‌های رژیم کاهش چشمگیری یافت. دولت هویدا دیگر مورد حمایت دموکرات‌ها نبود. به علاوه شاه برای پیروزی جمهوریخواهان هزینه فراوانی کرده بود و این امر او را بیشتر در مقابل انتقادات دموکرات‌های آمریکا قرار داد.

آموزگار پس از انتصاب به سمت نخست‌وزیری، در مرداد ۱۳۵۶ از دبیرکلی استعفا داد و به‌جای او محمد باهری، معاون وقت وزارت دربار، در همین تاریخ به این سمت انتخاب شد و داریوش همایون قائم‌مقام او شد. آموزگار کابینه پیشنهادی‌اش را با وعده انقلاب اداری و تدوین و اجرای برنامه‌های خاص برای مبارزه با فساد به مجلس شورای ملی برد و در روز سوم شهریور ۵۶ رأی اعتماد گرفت. چند ماه بعد در روز پنجم دی‌ماه ۱۳۵۶ شاه در دیدار با اعضای دفتر سیاسی و هیئت اجرائی حزب رستاخیز «جدایی پست دبیرکلی حزب را از سمت نخست‌وزیری به مصلحت ندانست»، این‌چنین بود که جمشید آموزگار، نخست‌وزیر وقت، این‌بار نه با رأی اعضای حزب که به حکم شاه، برای بار دوم دبیرکل حزب رستاخیز شد و جواد سعید به‌عنوان قائم‌مقام او و محمود جعفریان، محمدرضا عاملی‌تهرانی و محمدحسین موسوی به سمت معاونان او در حزب تعیین شدند. آموزگار در شرایطی به نخست‌وزیری رسید که جامعه ایران در آستانه انقلاب اسلامی قرار داشت. با آشکارشدن ناتوانی دولت در درک و انجام خواسته‌های واقعی اقشار مختلف مردم، دولت آموزگار از نیمه دوم۱۳۵۶ با اقدامات گسترده مخالفان در داخل و خارج مواجه شد. اجتماعات مذهبی و دانشگاهی به‌طور روزافزون دامنه اعتراضات خود را گسترده‌تر کردند، به‌طوری‌که تا پایان سال حوادثی که محرک مردم برای شرکت فعال در اعتراض به دولت بود، جنبه عمومی و مردمی یافت و به موازات آن دولت عملا نشان داد که چندان پایبند به شعارها و برنامه‌های سیاسی خود نیست.

افزایش اجتماعات مذهبی با مرگ مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند امام در آبان ۱۳۵۶، به شکل اعتراض شدید به سیاست‌های سرکوبگرانه دولت، بروز کرد و تداوم این اجتماعات در مناسبت‌هایی مانند ۱۶ آذر، در دانشگاه‌های کشور و ۱۷دی‌ماه، مخالفت‌ها را عمومیت بخشید. به‌خصوص چاپ مقاله توهین‌آمیز «ایران و ارتجاع سرخ و سیاه» به قلم احمد رشیدی‌مطلق علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷دی ۱۳۵۷ موجبات اعتراض سراسری را در شهرهای بزرگ فراهم کرد. مردم و روحانیون شهر قم، در اعتراض به مقاله اهانت‌آمیز روزنامه اطلاعات دست به راهپیمایی زدند و با دخالت نیروهای پلیس گروه کثیری شهید و زخمی شدند. به دنبال آن مراجع تقلید این اقدام رژیم را محکوم کرده و به خانواده قربانیان و مجروحان تسلیت گفتند. امام خمینی نیز پس از شنیدن خبر هجوم مأموران رژیم به مردم، در شهر قم، به مدت یک هفته درس و نماز جماعت خود را تعطیل اعلام کردند.

در ۳۱ ژانویه ۱۹۷۸ پارسونز، سفیر بریتانیا در تهران، یک گزارش محرمانه ۱۵صفحه‌ای تحلیلی جدید با عنوان «مشکلات داخلی در ایران» خطاب به دیوید اوئن، وزیر خارجه کشورش ارسال کرد و در آن حدود یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از «احساس نارضایتی اجتماعی و سیاسی که کشور در حال گذار از آن است»، سخن گفت.

همان زمان جمشید آموزگار در واکنش به اظهار نگرانی برخی محافل خارجی، در خصوص نفوذ گسترده مذهبی‌ها در میان مردم، ناباورانه قدرت آنها را رو به زوال اعلام کرد. اما این تحلیل چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسید. پس از سخنرانی امام به مناسبت چهلم شهدای قم، مراسمی به همان مناسبت در ۲۹ بهمن در شهر تبریز برگزار شد و مأموران مسلح رژیم با حمله به مردم حادثه‌ای دیگر آفریدند. با شکل‌گیری قیام تبریز، در این شهر حکومت نظامی اعلام شد. از طرفی جمعی از روحانیت مبارز تهران با انتشار بیانیه‌ای از مبارزات مردم تبریز، خصوصا در بزرگداشت چهلم شهدای قم تجلیل کردند و خواستار ادامه مبارزه تا پیروزی شدند. آموزگار قیام مردم تبریز را برانگیخته دست بیگانگان شمرد و تظاهرکنندگان را از اهالی تبریز ندانست. پس از آن شاه نیز حوادث تبریز را اتحاد نامقدس بین کمونیسم و اشخاص مرتجع اعلام کرد. آموزگار پس از بروز آرامش نسبی در خرداد و تیرماه۱۳۵۷ در مصاحبه با روزنامه السیاسه با اطمینان بیان کرد: «آشوب‌هایی که در ایران روی داد، برای همیشه به پایان رسیده است» و به این طریق منکر وجود مشکلات اساسی در رژیم و مخالفت جدی مردم با برنامه‌ها و سیاست‌های رژیم سلطنتی شد.

در هشتم و نهم فروردین۱۳۵۷ و با نزدیک‌شدن چهلم شهدای تبریز، مردم در شهرهای تهران، اصفهان، آبادان، آباده، قزوین، کاشان، بابل، تبریز، شیراز و برخی شهرستان‌ها به مناسبت این روز دست به تظاهرات زدند. تظاهرات یزد به خاک و خون کشیده شد و شهر جهرم نیز شاهد حوادثی مانند یزد بود. چند روز بعد، حرکت سراسر مردم کشور در چهلم شهدای تبریز، در مطبوعات انعکاس وسیعی داشت. چندی نگذشت که موج عظیمی از مخالفت‌های مردم سراسر شهرهای ایران را فراگرفت. در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ در شهرهای اصفهان، نجف‌آباد، شهرضا، همایون‌شهر، اعتراضات علیه دولت به اوج رسید و در همین ایام حکومت نظامی در این شهرها اعلام شد. از این پس مردم علنا خواهان سقوط شاه و تغییر رژیم شدند. یک هفته بعد از فاجعه سینمای رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ که منجر به کشتار حدود ۳۷۷ نفر از اهالی شهر شد، آموزگار در مقابل اعتراض عمومی در سراسر کشور به علت ناتوانی در پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردم، از مقام نخست‌وزیری و دبیرکلی حزب رستاخیز استعفا داد. هفت روز پس از استعفای آموزگار، حزب رستاخیز متلاشی و مدتی بعد منحل شد. به دنبال آن آزادی احزاب اعلام شد و استعفای آموزگار مورد پذیرش شاه قرار گرفت.

پس از آن واقعه، آموزگار عملا از منظومه قدرت دربار خارج شد و از شاه به‌عنوان محور قدرت رژیم آرام‌آرام فاصله گرفت. پس از اینکه دولت ازهاری برای مهار انقلاب، تعدادی از دست‌اندرکاران دولت‌های گذشته از جمله هویدا، نخست‌وزیر اسبق را دستگیر کرد و به حبس فرستاد، آموزگار با اجازه شاه و دریافت گذرنامه سیاسی به بهانه بیماری همسرش از کشور خارج شد. در اوایل آذر ۱۳۵۷ نام آموزگار در فهرست ۱۴۴نفری منتشرشده از سوی کارکنان بانک مرکزی بود که از کشور ارز خارج کرده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، نام جمشید آموزگار در فهرست اسامی ممنوع‌الخروج‌ها از کشور منتشر شد که از ۱۳۴۱ در کشور مسئولیت عالی‌رتبه داشتند. به دنبال آن اموال او طبق حکم غیابی دادستانی انقلاب در فروردین ۱۳۵۸ به نفع بنیاد مستضعفان مصادره شد. آموزگار پس از ترک ایران ابتدا به ایالت فلوریدای آمریکا رفت، سپس در ایالت میامی نزد پدرزن بهودی خود مقیم شد و به‌همراه جهانگیر آموزگار که مدتی مسئولیت ریاست هیئت نمایندگی اقتصادی ایران در آمریکا را بر عهده داشت، شرکتی ساختمانی تأسیس کرد.

ادامه از صفحه اول

اعتراضات هفت‌تپه و معنی جدیدی از جامعه مدنی

اما نکته مهم این است که نوآوری‌های نهادی جامعه مدنی بدون ارتباط و پذیرش از طرف دولت مجال بروز نمی‌یابد و در سخن و شعار باقی می‌ماند بدون ارتباط و تعامل بین جامعه مدنی و دولت مسئله کماکان باقی می‌ماند. دولت به راه‌حل‌ها و نوآوری‌های کارگران برای ساماندهی به وضعیت فعلی توجه کند و تنها راه‌حل را در خصوصی‌سازی جست‌وجو نکند. دولت در ارتباط و تعامل با جامعه مدنی می‌تواند از جامعه مدنی به‌عنوان منبعی برای اقدامات اجتماعی، اقتصادی و رفاهی بهره ببرد و از عدم مشروعیت اقدامات و ناکارآمدی بوروکراسی و خصوصی‌سازی بکاهد. اعتراضات کارگران هفت‌تپه فرصتی است برای آرایش جدید بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد (بازار). دولت می‌تواند مثل سابق وام با بهره پایین یا ارز با نرخ ترجیحی در اختیار مدیران هفت‌تپه قرار دهد، یا محصول آن را مدتی خرید کند تا مدیران بتوانند حقوق عقب‌مانده کارگران را پرداخت کنند و چند صباحی اوضاع آرام شود اما بهتر است از جامعه مدنی و اعتراضات کارگران به‌عنوان منبعی برای راه‌حل جدید در ساماندهی و تنظیم مجدد کارخانه‌ها و شرکت‌ها بهره ببرد. طرز تفکر حاکم بر بوروکراسی دولتی درباره شرکت‌های واگذارشده یا در حال واگذاری این است که سرمایه‌دارانی بیایند که بتوانند سرمایه‌گذاری کنند، کارگران را مدیریت و اشتغال موجود را حفظ کنند. از این منظر، برای اداره شرکت‌های غیردولتی ضرورتا به سرمایه‌داران نیازمندیم صرف‌نظر از اینکه سرمایه را از راه‌های تولید کالا و خدمات به دست آورده باشند یا از مسیرهای واسطه‌گری، دلالی یا مبتنی بر رانت. از نظر بوروکراسی دولتی اگر سرمایه‌دارِ مشتاق برای واگذاری شرکت‌های دولتی نباشد چه کسی این شرکت‌ها را اداره خواهد کرد، چرخ تولید را خواهد چرخاند و حقوق کارگران را پرداخت خواهد کرد؟ بوروکراسی دولتی و نمایندگان آن نمی‌توانند به شیوه‌های دیگر برای سازماندهی و اداره شرکت‌ها بیندیشند. این تفکر در میان مدیران دولتی رواج دارد که کسی و فرایندی بهتر از سرمایه‌داران و کارآفرینان که به‌سختی فرایند تولید را راه‌اندازی و مدیریت می‌کنند و همه مخاطرات را به جان می‌خرند، وجود ندارد. سخن این است که جامعه مدنی منبع مهمی برای برعهده‌گرفتن چنین وظایفی است. مدیران دولتی یک‌بار هم به درخواست‌های کارگران توجه کنند و مدیریت و اداره شرکت را به خود آنها واگذار کنند یا از تیم‌های فکری این افراد برای مشارکت در مدیریت استفاده شود. به‌جای واگذاری‌های مکرر به سرمایه‌داران مختلف یک‌بار به تولیدکننده مستقیم برای سازمان‌دهی شرکت اعتماد کنیم.

*عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی

برگ سبز خودرو کامیونت ون زامیاد رنگ آبی مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۳۸۷ ی ۱۱ و شماره موتور Z24819809Z و شماره شاسی ۰۵۵۷۸۳۶ به نام شیرین تاج فرهادی پری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودرو پژو پارس رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۷۸۰۱۹ و شماره شاسی ۱۹۳۲۹۳۵۲ به نام اکبر مشکبار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت از سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده
شرکت شیمی گستر شهاب (بامسئولیت محدود)
به شماره ثبت ۲۶۲۳۱۸
بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت به عمل می آورد تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ راس ساعت ۱۱ به آدرس قانونی پاسداران خیابان پایدار فرد نبش گلستان دوم، پلاک ۸۵ ، واحد ۱۴ با کدپستی ۱۶۶۶۹۳۸۶۸۰ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: ۱ - تغییر آدرس ۲ - افزایش سرمایه همراه با ورود شریک ۳ - کاهش سرمایه همراه با خروج شریک
هیات مدیره

دانشنامه فارغ التحصیلی اینجانب امید زارعی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۸۴۸۵ و شماره ملی ۰۰۷۹۰۹۷۲۸۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حسابداری (علمی کاربردی) صادره از دانشگاه تهران شمال مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال :تهران،بزرگراه شهید بابایی(غرب به شرق)،خروجی حکیمیه،خیابان شهید صدوقی،بلوار وفادار، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال ارسال نماید.

سند کمپانی سند مالکیت و کارت خودرو دانگ فنگ h30cross رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۲۲۹ط۷۲-۲۰ و شماره موتور FA173B0065939 شماره شاسی NAAE4CFZYKX088608 به نام نوید اسکندری ترکمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی موتورسیکلت توریست رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۳۹۷ _ ۲۳۸۱۲ و شماره موتور ۶۱۱۸۰۰۱۲ و شماره شاسی NCP***125T8530319 به نام جواد احمدزاده دیبازر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گواهی موقت تحصیلی اینجانب بهرام محمدفام فرزند محبوب به شماره شناسنامه ۸۴ صادره از مرودشت در مقطع کارشناسی رشته زمین شناسی صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد بهبهان با شماره ۲۸۸۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان به نشانی شهرستان بهبهان خیابان شهید کرم نسب خیابان دانشگاه ارسال نماید.

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR